هوالابهی - ای بندهٔ ‌قديم جمال قدم روحی لاحبّائه ‌الفداء…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٤٤

### هوالابهی

ای بندهٔ ‌قديم جمال قدم روحی لاحبّائه ‌الفداء آنچه ‌مرقوم نموديد ملحوظ شد و هر چه تسطير و تحرير گرديد تفسير شد. به محامد حضرت احديّت و سلطان ربوبيّت لسان گشوديم که آن بندهٔ ديرين جمال مبين در شدّت اشتعال و فوران نار محبّت الله هستند و از نسائم مهبّ عنايت جانی پر شور و قلبی پر جوش دارند هنيئاً لک و مريئاً لک هذه‌ الکأس‌ الانيق الدّهاق من فيض عناية شمس الآفاق. اليوم يوم شعله و نيران و لمعه و فوران است. حضرت اعلی و نقطهٔ ‌اولی روحی له ‌الفدا سينهٔ مبارک را هدف صد هزار رصاص فرمودند جمال قدم و اسم اعظم فديت احبّائه بروحی وذاتی وکينونتی در هر آنی صد هزار تير بغضاء را تحمّل فرمودند و در تحت سلاسل و اغلال بودند و بيست و پنج سال در سجن اعظم مسجون گشتند از ايران به عراق و از عراق به مدينهٔ کبيره و از آنجا به برّ روميلی و از آنجا به ‌اين قلعهٔ خراب سرگون شدند.

با وجود اين ما چگونه در فکر راحت و آسايش باشيم و يا دمی سر را بر بالين پرند و پرنيان نهيم؟ از حضرت‌ احديّت سائل و آمليم که‌ اين ‌ايّام قليله را در بلايا در سبيل حقّ بگذرانيم و اين جان پژمرده و افسرده را در محبّت‌ او فدا نمائيم. آيا آن يوم مبارک را مشاهده ‌نمائيم که‌ اين خون بی قيمت ارزان را رايگان در سبيل رحمن انفاق نمائيم و اين جسد رميم‌ ارباً ارباً بر خاک مذلّت در ميدان وفا افتد؟ ربّ وفّقنی علی هذه ‌الموهبة ‌العظمی و المنحة‌ الکبری الّتی بها اضاء ملکوت الوجود من ‌الغيب و الشّهود برحمتک الّتی اختصصت بها عبادک‌ الصّادقين الثّابتين يا موفّق الاصفياء انّک انت الرّحمن الرّحيم . ع ع

